

راز آرامگاه پیامبر آریائی



(مزار شریف)

تحقیق و نگارش: فرید شولیزاده

مزار شریف، مدفن پیامبر آریایی یا خلیفه تازی؟! اگر در داخل مزار بگردید حتماً کتیبه ای خواهید یافت که از شاعر ملی و قدیمی ایرانزمین یعنی حکیم جامی میباشد او نیز در زمان خود حقیقت را میدانسته و چنین سروده:

گویند که بیت مصطفی در نجف است

در بلخ بیا بین چه بیت الشرف است

جامی نه عدن گوی و نه بین الجبلین

خورشید یکی و نورش از هر طرف است

اری همین شعر است که مردم زمان وی انرا کتیبه کرده اندو در آرامگاه نصب نموده اند. توجه شما را به این نکته جلب میکنم که هیچ یک از دو تاریخ ولادت و کشته شدن علی ابن ابی طالب در نوروز اتفاق نیفتاده است در حالی که اسناد تاریخی و متون آریائی نشان میدهد که روز ششم فروردین، خورداد روز، زاد روز تولد پیام اور راستی حضرت اشو زرتشت است. پس آیا این همه مراسم پر شکوه نوروز بخصوص روز ششم که توام با جشن و سرور توسط افغانها برگزار میشود دارای یک پیام باستانی و اجدادی و یک همبستگی ملی با ما ایرانیان بخصوص زرتشتیان نیست؟

درباره این که چرا و از چه زمان این آرامگاه را به علی نسبت دادند ندیده ام که محققى خارجی یا داخلی تحقیق کرده باشد ولی در این مورد روایاتی در محل موجود است که سینه به سینه گشته تا بنسل امروز رسیده است.

روایت این است که وقتی ابومسلم خراسانی در بغداد موفق گردید که خاندان بنی امیه را سرنگون کند چون بنی امیه خاندان علی را سب میکردند پس از استقرار خلافت ابوالعباس سفاح عباسی به زیارت مقبره علی بن ابیالطالب رفت و تصمیم گرفت که پیکر او را برای احترام بیشتر به ایران منتقل کند!!

روایت میگوید که سپاهیان زیر فرمان ابومسلم عمدتاً مرکب از چهار طایفه بودند که بلخی ها یکی از این چهار طوایف را تشکیل میدادند می گویند چون که هر طایفه بر سر

اینکه محل دفن باید در منطقه ایشان باشد با دیگران بحث و جدل میکردند ابو مسلم دستور داد که چهار تابوت مهیا کردند سپس خود بتنهائی پیکر علی را در تابوت بلخی ها قرار داد و سایر تابوت ها را با اشیاء دیگر پر کرد و تابوت ها را مهر و موم کرد و به چهار طایفه سپرد پس بلخی ها تابوت اصلی را با مشقت فراوان به بلخ آوردند و برایش در مکان فعلی(نه مزار شریف) آرامگاه ساختند و تابوت اصلی را در آن آرامگاه دفن نمودند!!!

این روایت به دلائل متعدد اساس معتبر تاریخی ندارد چون اولاً" ابومسلم خراسانی شیعه نبوده است تا آرامگاه علی در نجف مورد علاقه او بوده باشد بلکه او نماینده ای از طرف مهدی از آل عباس بوده است که با امکانات مالی از مدینه به خراسان اعزام گردید تا اعراب مقیم خراسان و تازه مسلمان شدگان خراسانی را علیه بنی امیه و بنفع بنی عباس نوادگان عباس عموی محمد بن عبدالله بشوراند و خلافت را نه به نوادگان علی بلکه به خاندان عباس برساند. آن چیزی هم که بروشنی در قصه فراموش شده این است که یک پیرو اهل تسنن که هیچ گونه دلبستگی به لوایح فکری مذهب خودساخته شیعه ندارد بیاید و بخاطر آن خود را بدردر انداخته و با ارتکاب به گناه نبش قبر، جسد امام شیعه ها را جایجا کند؟!!!

از انجائی که میدانیم فرهنگ تازی علاقه بسیاری به تخریب مکانهای مذهبی سایر ادیان و بناک مسجد بر روی آن را دارد(شاهد آن هم ساختن مسجد بر روی آتشکده ها و کنیسه های یهودیان و کلیساهای مسیحیان است، مشهود ترین آن هم مسجد القصی است که بر روی کنیسه معبد سلیمان در اورشلیم ساخته شده) این لطف آنان شامل حال آتشکده **انوش آذر** در بلخ هم شد. این آتشکده همان مکانی است که پیامبر اهورائی ایران در سن 77 سالگی و در حال نیایش در آن توسط یک تورانی بنام (توربرادرش) کشته شده است. شاهنامه بخوبی راوی این داستان است:

سپاهی ز توران پیامد به بلخ

که شد مردم بلخ را روز تلخ

همه بلخ پر غارت و کشتن است

وز ایدر تو را روی برگشتن ست

شهنشاه لهراسب در شهر بلخ

بگشتند و شد روز ما تار و تلخ

وز آن به نوش آذر اندر شدند

رد و هیرید را همه سر زدند

ز خونشان فروزنده آتش بمرد

چنین بدکنش خوار نتوان شمرد

پس از شهادت پیامبر راستین ایرانزمین، یاران او وی را در همان مکان آتشکده **انوش آذر** بخاک سپردند. از دیدگاه من بیقین این مکان آرامگاه اشو زرتشت است و اگر امکان اکتشافات علمی در آن فراهم شود قطعاً" به کتیبه ای از گشتاسب کیانی که جهت آرامگاه پیامبر اریائی ساخته و نسب نموده است دسترسی خواهیم یافت. مزار شریف قبلاً" در حومه شهر بلخ قرار داشته بعد از حمله اعراب و شیوع شیعه گری آرام آرام به یک شهر بزرگ تبدیل شده. قطعاً" ایرانیان زرتشتی تا قبل از حمله تازیان میدانستند که آرامگاه زرتشت پیامبر اینجا میباشد ولی پس از آنکه تمام آثار مکتوب ایرانیان توسط اعراب سوزانیده شد نسل های بعد از هویت و تاریخ خود بی اطلاع ماندند بطوری که تا قبل از مسافرت حسن صباح به مصر و بازدید وی از کتابخانه های اسکندریه و قبل از تکثیر و توزیع شاهنامه فردوسی ایرانیان هیچگونه اطلاعی از هویت خود نداشتند. از این قبل اماکن ملی در ایرانزمین در حال حاضر به تعداد زیادی موجود است(مانند آرامگاه یعقوب لیث، آتشکده اذرگشنسب در شیز، آرامگاه کورش بزرگ و...) که با همین تمهید محفوظ

مانده اند. من سوابق باستانی برخی از آنها را جمع اوری کرده ام که در آینده در یک جستار کامل در مقابل دیدگان شما قرار خواهم داد.

اطمینان داشته باشید که در پشت لایه های نماکاری شده این سازه بظاهر مسجد، ساختمان دیگری با سبک معماری ایران باستان نهفته است که روزی به رویت آیندگان خواهد رسید. فراموش نکنیم دست رسی به کتاب اوستای باستانی (گاتهای کامل) مکتوب شده بوسیله خود پیامبر در این محل غیر محتمل نمی باشد. دوستان میتوانید عظمت این واقعه را در ذهن خود تصویر بفرمائید که این واقعه چه دگرگونی های عظیم در تاریخ و فرهنگ ایران زمین و کل بشریت بوجود خواهد آورد. پیمودن این راه همتی سوشیانت گونه میخواهد که در سرشت همه ما آریانی ها موج میزند.

امرداد از ماه تیر 3742